

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ

دانشگاه پیام نور
دانشکده حقوق

عنوان :

رابطه شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری
بین المللی با تأکید بر قضیه دارفور سودان

نگارش :

مجتبی حسینی

استاد راهنما :

دکتر محمد جواد شریعت باقری

استاد مشاور :

دکتر علیرضا حجت زاده

استاد داور :

دکتر مرتضی نجفی اسفاد

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۶

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته

حقوق بین الملل

تابستان ۱۳۸۶

۷۰۰۲۱

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خداوند سبحان را که توفیق نگارش مجموعه حاضر را برای اینجانب فراهم نمود و تشکر صمیمانه از زحمات استاد عالی مقام جناب آقای دکتر محمدجواد شریعت باقری که با تذکرات و ارشادات کارشناسانه خود نقایص و کاستیهای این مجموعه را متذکر شده اند و باتشکر از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر علیرضا حجت زاده که سعی و تلاش واقری در جهت گردآوری این مجموعه مبذول نموده اند همچنین تشکر صمیمانه از استاد محترم جناب آقای دکتر مرتضی نجفی اسفاد و کلیه اساتید محترمی که در نگارش این مجموعه اینجانب را یاری نموده اند، توفیق روزافزون این عزیزان را از خداوند منان مسألت دارم.

سید مجتبی حسینی

تابستان ۸۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	طرح پژوهش
۵	۱- بیان مسأله
۸	۲- سؤالات اصلی
۸	۳- فرضیه موجود
۸	۴- آثار موجود
۱۰	۵- هدف پژوهش
۱۱	۶- روش پژوهش
۱۱	۷- سازماندهی پژوهش
۱۲	پیشگفتار
۱۵	بخش اول: شورای امنیت در نقش حافظ صلح و امنیت بین المللی
۱۷	فصل اول: ساختار و صلاحیتهای شورای امنیت
۱۷	گفتار اول: ساختار
۱۷	مبحث اول) جایگاه حقوقی و ترکیب شورای امنیت
۲۱	مبحث دوم) ماهیت شورای امنیت
۲۱	بند اول) ماهیت حقوقی
۲۲	بند دوم) ماهیت سیاسی
۲۴	گفتار دوم: صلاحیتهای
۲۴	مبحث اول) اختیارات شورای امنیت
۲۶	بند اول) تصفیه مسألت آمیز اختلافات بین المللی
۲۷	بند دوم) حفظ صلح و امنیت بین المللی
۲۴	بند سوم) اقدامات موقتی شورای امنیت
۳۶	بند چهارم) اقدام بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور
۳۸	بند پنجم) سایر صلاحیتهای شورای امنیت
۳۹	مبحث دوم) آثار حقوقی ضمانت اجرای منشور ملل متحد
۳۹	بند اول) مسؤولیت دولتها مبنی بر محاکمه و یا استرداد مجرمین
۴۰	بند دوم) تأثیر ضمانت اجرای منشور در مسؤولیت حقوقی دولتها
۴۲	فصل دوم: شورای امنیت و تشکیل محاکم کیفری بین المللی
۴۲	گفتار اول: زمینه های تاریخی و نظری
۴۲	مبحث اول) زمینه تاریخی
۴۳	بند اول) تقویت جایگاه شورا به وسیله اقدامات خود شورا

۴۶	بند دوم) تقویت جایگاه شورا به وسیله اقدامات جامعه بین المللی
۴۷	بند سوم) تقویت جایگاه شورا به وسیله سازمانهای بین المللی
۴۸	مبحث دوم) زمینه نظری
۴۹	بند اول) نظریه نامحدود تلقی کردن صلاحیت شورای امنیت
۵۲	بند دوم) نظریه محدود تلقی کردن صلاحیت شورای امنیت
۵۴	بند سوم) تأسیس دادگاههای اختصاصی توسط شورای امنیت از دیدگاه دولتها و رویه قضایی بین المللی
۶۲	گفتار دوم: محاکم کیفری ویژه (ad hoc)
۶۲	مبحث اول) دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق
۶۳	بند اول) زمینه های صدور قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت
۶۴	بند دوم) مبنای حقوقی تأسیس دیوان یوگسلاوی سابق
۶۸	مبحث دوم) دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا
۷۲	مبحث سوم) همانندی ها و تفاوتهای دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا
۷۲	بند اول) همانندی ها
۷۳	بند دوم) تفاوت ها
۷۴	بخش دوم: راه های تعامل شورای امنیت و دیوان کیفری بین المللی
۸۴	فصل اول: تعامل حقوقی دیوان و شورا
۸۵	گفتار اول: ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت
۸۹	مبحث اول) منبع اختیار شورای امنیت در ارجاع وضعیت
۹۰	مبحث دوم) ماهیت حقوقی ارجاع شورای امنیت
۹۲	مبحث سوم) خصوصیات ویژه ارجاع شورای امنیت
۹۴	مبحث چهارم) شرایط ارجاع توسط شورای امنیت
۹۴	بند اول) وجود وضعیت
۹۵	بند دوم) انطباق ارجاع با فصل هفتم منشور
۹۷	بند سوم) صلاحیت
۹۹	بند چهارم) قابلیت پذیرش و اصل صلاحیت تکمیلی
۱۰۴	بند پنجم) موضوعات شکلی
۱۰۷	گفتار دوم: تعلیق تحقیق یا تعقیب در دیوان توسط شورای امنیت
۱۰۷	مبحث اول) بررسی ماده ۱۶ اساسنامه دیوان
۱۱۱	مبحث دوم) منبع و شرایط اختیار تعلیق توسط شورای امنیت

۱۱۳	مبحث سوم) شرایط اعمال ماده ۱۶
۱۱۳	بند اول) صدور قطعنامه و ابلاغ آن به دیوان
۱۱۴	بند دوم) انطباق با فصل هفتم منشور
۱۱۴	مبحث چهارم) حدود درخواست شورای امنیت
۱۱۴	بند اول) تأخیر در رسیدگی
۱۱۵	بند دوم) زمان تعلیق
۱۱۷	مبحث پنجم) رسیدگی نزد دیوان در قضیه تعلیق
۱۱۹	مبحث ششم) نتایج تعلیق
۱۲۱	مبحث هفتم) بررسی قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت
۱۲۵	بند اول) از دیدگاه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی
۱۲۷	بند دوم) از دیدگاه منشور ملل متحد و حقوق معاهدات
۱۳۰	گفتار سوم: رسیدگی به جنایت تجاوز
۱۳۲	مبحث اول) تعریف عمل تجاوز
۱۳۵	مبحث دوم) سیر تاریخی تعریف جرم تجاوز
۱۳۵	بند اول) دادگاه نورنبرگ
۱۳۶	بند دوم) پیش نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری
۱۳۷	بند سوم) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی
۱۴۱	مبحث سوم) شرایط اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرم تجاوز
۱۴۶	مبحث چهارم) بررسی تحلیلی مداخله شورای امنیت در احراز جرم تجاوز
۱۵۲	فصل دوم: تعامل اداری
۱۵۲	گفتار اول: امور مالی
۱۵۶	گفتار دوم: تحقیق و تعقیب
۱۵۶	مبحث اول) کسب اطلاعات
۱۵۷	مبحث دوم) همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی
۱۵۸	بند اول) موارد ارجاع توسط شورای امنیت
۱۵۹	بند دوم) موارد ارجاع از سوی دولتها یا دادستان
۱۶۱	گفتار سوم: اجرای مجازات زندان
۱۶۴	نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۶۸	فهرست منابع و مأخذ

فهرست اختصارات

AJIL	American journal of International law	مجله آمریکایی حقوق بین الملل
EJIL	European Journal of International law	مجله اروپایی حقوق بین الملل
G.A.Res.	General assembly Resolution	قطعهنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد
G.A.	General assembly	مجمع عمومی سازمان ملل متحد
HRW	Human Rights watch	دیده بان حقوق بشر
ICC Statute	International Criminal Court Statute	اساسنامه دیوان بین المللی کیفری
ICC	International Criminal Court	دیوان کیفری بین المللی
ICJ	International Court of justice	دیوان بین المللی دادگستری
ICRC	International Committee of Red Cross	کمیته بین المللی صلیب سرخ
ICTR	International criminal Tribunal for Rwanda	دیوان بین المللی کیفری رواندا
ICTY	International criminal Tribunal for Yugoslavia	دیوان بین المللی کیفری یوگسلاوی
ILC	International law Commission	کمیسیون حقوق بین الملل
IMT	International Military tribunal	دیوان بین المللی نظامی
LMG	Like Minded Group	گروه کشورهای هم فکر
NGO	Non Governmental Organization	سازمان غیر دولتی
Res.	Resolution	قطعهنامه
T.M	Trigger Mechanism	مکانیزم ماشه

طرح پژوهش

۱- بیان مسأله

حقوق کیفری یکی از روشهای اساسی است که هر جامعه توسط آن از نظم موجود و همچنین ارزشهای جامعه دفاع می کند. این رسالت را در جامعه بین المللی شاخه ای از حقوق بین الملل بنام حقوق کیفری بین المللی برعهده دارد. در واقع رسالت اصلی حقوق کیفری بین المللی «با قواعد و مقررات ماهوی و شکلی خود و به عنوان بازوی مسلح نظام حقوق بین الملل، دفاع از نظم عمومی بین المللی و مجازات اشخاصی است که با ارتکاب جرایم بین المللی این نظم را مختل می کنند»^۱.

جامعه بین المللی از نظم عمومی خاص خودش برخوردار است، وجود این نظم برای تداوم زندگی صلح آمیز بین المللی ضروری است. نظم عمومی بین المللی، همان آرامش وجدانی نوع بشر است؛ وقایعی مانند آنچه که در سالهای اخیر در عراق، رواندا، سومالی و تیمور شرقی اتفاق افتاد، وجدان عمومی بشر را جریحه دار می کند و نوع بشر را متألم می سازد. وظیفه و هدف حقوق کیفری بین المللی حفظ، حمایت و

۱- علی حسین نجفی ابرند آبادی، «مسئولیت کیفری بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ص ۱۷۱

اعاده نظم عمومی بین المللی است. با وجود این باید دانست که مفهوم نظم عمومی هنوز مبهم است و ماهیت و آثار آن از دیدگاههای مختلف، متفاوت است.^۱

جامعه جهانی تا کنون برای حفظ نظم عمومی بین المللی به راهکارهای مختلفی روی آورده است، از جمله آنها اقدام به تأسیس نهادهای بین المللی است. دو ساز و کار عمده در این مسیر عبارتند از:

- ۱- تأسیس سازمان ملل متحد و ایجاد شورای امنیت به عنوان یکی از مهمترین ارکان آن.
- ۲- ایجاد دادگاه کیفری بین المللی برای مجازات مرتکبین جنایات بین المللی و به منظور پیشگیری از وقوع این جرایم.

با تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵، بلندترین گام برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و تحقق نظم عمومی در جامعه جهانی برداشته شد و این مهم در ماده یک منشور منعکس گردید. برای رسیدن به این هدف و به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف منشور ملل متحد، مسؤلیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی به شورای امنیت واگذار نموده است.^۲ این اقدام اگر چه گام بلندی در جهت حفظ و اعاده صلح و امنیت بین المللی بود ولی بررسی وضعیت جامعه جهانی نشان داد که «صلح و امنیت زمانی مستقر و پایدار خواهد ماند که عدالت به طور اعم و عدالت کیفری به طور اخص برقرار گردد. باید افرادی که به ارزشهای بنیادین جامعه بین المللی تعرض کرده یا می کنند به سزای اعمال خود برسند و مجازات شوند»^۳. با اینکه پس از جنگ دوم جهانی تا کنون دادگاههایی مانند نورنبرگ، توکیو و دادگاههای ویژه یوگسلاوی و رواندا به صورت موردی و اتفاقی تشکیل شده اند؛

۱- علی آزمایش، «حقوق بین المللی کیفری و حقوق داخلی»، گزارش سفر مطالعاتی و آموزشی هیأت قضات ایرانی به کشور هلند، به اهتمام سید علی کاظمی، ص ۷۶

۲- هوشنگ ناصرزاده، اعلامیه های حقوق بشر، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۶

۳- ابراهیم بیگ زاده، «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین المللی: تئوری و عمل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۷۵، ص ۱۴۶

ولی حقوق کیفری بین المللی می بایست هرچه زودتر به مرحله ثبات و دوام برسد. بر این اساس دیوان کیفری بین المللی در سالهای پایانی قرن بیستم با هدف احترام به اجرای عدالت و حفظ صلح، امنیت و آسایش کلیه ملل جهان، پایه گذاری شد.^۱

دیوان کیفری بین المللی برای انجام رسالت خود ناگزیر از ارتباط با دیگر نهادهای بین المللی، بویژه سازمان ملل متحد و شورای امنیت است. اساسنامه دیوان مقررات مختلفی در مورد نحوه ارتباط این دو نهاد وضع نموده است؛ از جمله این موارد، ارجاع قضیه از جانب شورای امنیت به دیوان، تعلیق تحقیق و تعقیب در دیوان توسط شورای امنیت، نقش شورای امنیت در تشخیص جرم تجاوز، نقش شورا در همکاریهای بین المللی دول عضو و غیر عضو با دیوان و مسایل مالی بین شورا و دیوان است. با وجود این، نحوه ارتباط این دو نهاد همچنان از مسایل مهم حقوق بین الملل است.

این مساله در کنفرانس دیپلماتیک رم نیز یکی از محورهای و موضوعات اساسی مورد بحث بود و اکثریت قریب به اتفاق دولتها خواهان شفافیت چگونگی این ارتباط بودند. هم اکنون نیز دغدغه بسیاری از دولتها، از جمله دولت ما جهت امضا یا تصویب اساسنامه، نگرانی از نقض استقلال دیوان و نحوه ارتباط آن با شورای امنیت ملل متحد است. مساله مهم در این رابطه این است که آیا نظم عمومی باید از مرجعی بالاتر مثل سازمان ملل و شورای امنیت تعیین شود؛ یا خود کشورها می توانند در قالب دیوان کیفری بین المللی آن را تعریف کنند؟

۱- اسحاق آل حبیب، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور

خارج، ۱۳۷۸، مقدمه ص ۳۴

۲- سؤالات اصلی

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ سؤالات ذیل است:

الف) آیا شورای امنیت در فرایند دادرسی دیوان کیفری بین المللی دارای صلاحیت نامحدود بوده و حق

مداخله در صلاحیت قضایی دیوان و کنترل آن را دارد؟

ب) آیا تصمیم شورای امنیت مبنی بر تعلیق تحقیق یا تعقیب در دیوان، تحقق عدالت کیفری را به مخاطره

نمی اندازد؟

ج) آیا احراز جرم تجاوز در صلاحیت دیوان است یا اینکه دیوان در احراز این جرم باید از نظر شورای

امنیت تبعیت کند؟

۳- فرضیه موجود

در خصوص این تحقیق فرضیات متفاوتی مطرح است:

الف) صلاحیت شورای امنیت محدود به موارد مذکور در منشور ملل متحد است و شورا هیچ گونه

کنترلی بر دیوان ندارد.

ب) تعلیق رسیدگی در دیوان، تحقق عدالت کیفری بین المللی را با مشکل مواجه می سازد

ج) احراز جرم تجاوز در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی است.

۴- آثار موجود

درخصوص موضوع رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین المللی، به صورت مستقل، کتب و

مقالات کمی به رشته تحریر در آمده است. نوظهور بودن دیوان کیفری بین المللی و عدم وجود رویه

مشخص در این زمینه، دامنه منابع را محدود به تفاسیری کرده که نویسندگان و صاحب نظران از اساستامه

دیوان، منشور ملل متحد و مذاکرات کنفرانس رم دارند.

برخی از مهم ترین منابع فارسی که در کشور وجود دارد و در این تحقیق نیز از آنها استفاده شده موارد ذیل می باشد:

☑ " کتاب حقوق کیفری بین المللی " نوشته استاد محترم راهنمای این رساله از کتبی است که در جای جای آن به مسأله رابطه دیوان و شورای امنیت اشاره شده و از آن در این تحقیق بهره وافر گرفته شد. ۱

☑ علیرضا دیهیم در کتاب «درآمدی بر حقوق کیفری بین المللی، در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین المللی» به صورت بسیار مختصر به موضوع این رساله پرداخته است. ۲

☑ کتاب «حقوق کیفری بین المللی» نوشته کریانگساک کیتیچایساری و ترجمه حسین آقایی جنت مکان نیز از همین قاعده پیروی می کند. ۳ این کتاب با ترجمه دیگری نیز به بازار ارائه شده که از هر دو ترجمه در متن استفاده شده است. ۴

☑ جفری رابرتسون در کتاب خود با نام «جنايات عليه بشریت»، نیز مطالب مفیدی در خصوص حقوق کیفری بین المللی دارد. ۵

☑ مقالاتی در خصوص دیوان بین المللی کیفری توسط دکتر ابراهیم بیگ زاده تألیف یا ترجمه گردیده که حسب مورد از آنها استفاده شده است.

۱- محمد جواد شریعت باقری، حقوق کیفری بین المللی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۴)

۲- علیرضا دیهیم، درآمدی بر حقوق کیفری بین المللی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۰)

۳- کریانگساک کیتیچایساری، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین آقایی جنت مکان (تهران: انتشارات دانشور، ۱۳۸۲)

۴- کریانگ ساک کیتی شیابزری، حقوق بین المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳)

۵- جفری رابرتسون، جنايات عليه بشریت، ترجمه گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۳)

✓ مقاله "ارتباط سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی" نوشته سعید میرزایی ینگچه که به همت اسحاق آل حبیب جمع آوری شده نیز از منابع مناسبی است که از آن در این پژوهش استفاده فراوان شده است. ۱.

✓ پایان نامه‌ای تحت عنوان «دیوان کیفری بین المللی و شورای امنیت» در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تربیت مدرس به رشتهٔ تحریر درآمده که عمدتاً به کلیات پرداخته و با توجه به تاریخ نگارش آن، بسیاری از نکات و مسایل جدید در آن نیامده است. ۲.

۵- هدف پژوهش

هدف از انجام این پژوهش تمرکز بر عملکرد دیوان کیفری بین المللی و ارتباط آن با سازمان ملل متحد بویژه شورای امنیت ملل متحد است. این پژوهش در پی آن است که این رابطه را، آنچنان که هست و آنچنان که می تواند باشد؛ تشریح نماید. این امید وجود دارد که این پژوهش بتواند با توجه به کمبود شدید منابع علمی در زمینهٔ تعامل و رابطه شورای امنیت ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی، اولاً: ادبیات موجود در این زمینه را ارتقاء داده و در حقیقت دریچه‌ای، هر چند کوچک، برای بررسی این موضوع از ابعاد مختلف بگشاید. ثانیاً: ضمن پرداختن به رابطه این دو نهاد و تحلیل ماهیت هر یک از آنها، با بررسی نارسایی‌ها و کاستی‌های موجود راهکار مناسب جهت مرتفع نمودن آنها ارائه نماید.

۱- اسحاق آل حبیب، پیشین

۲- شهرام براتی نیا، دیوان کیفری بین المللی و شورای امنیت، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده حقوق، ۱۳۸۱

۶- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر باتوجه به تئوریک بودن موضوع، روش تحلیلی-توصیفی می‌باشد که انجام آن از دو طریق کتابخانه‌ای و میدانی و با مراجعه به کتب و پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌های تهران، شهیدبهشتی، علامه طباطبایی، مفید و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری و اسناد، مدارک، کتب و مقالات ارائه شده در فضای اینترنت و همچنین مراجعه به مراکزی مانند مرکز مطالعات عالی بین‌المللی و مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران، کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، مرکز حقوق بشر دانشگاه مفید قم، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، دفتر سازمان ملل متحد در ایران و سازمان دفاع از قربانیان خشونت میسر گردیده است.

۷- سازماندهی پژوهش

این تحقیق در دو بخش کلی تهیه شده است در بخش نخست باتوجه به مقررات مشور و عملکرد شورا امنیت به نقشی که شورای مذکور در رابطه با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اعمال نموده تا در این رهگذر خلاء وجود یک دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی را پر نماید پرداخته شده است. این بخش شامل دو فصل است، در فصل اول ضروری است تا ساختار و صلاحیتهای شورای امنیت مورد بررسی قرار گیرد و فصل دوم به مسأله نقش شورای امنیت در ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی و میانی نظری و پیشینه تاریخی آن می‌پردازد. بخش دوم تحقیق به بررسی راه‌حلهای تعامل شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین‌المللی می‌پردازد. در فصل اول این بخش، راه‌حلهای پیشنهاد شده در زمینه واگذاری اختیارات شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی، عدم ورود دیوان کیفری بین‌المللی در مسأله تجاوز و صلاحیتهای شورای امنیت در این زمینه و صلاحیتهای موازی بین دیوان کیفری بین‌المللی و شورای امنیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در فصل دوم این بخش، رویکرد اساسنامه دیوان در مواجهه با مسائل مزبور بصورت جداگانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

از سال ۱۹۱۹ تا کنون، چهار کمیسیون بین‌المللی تحقیق و چهار نسل دادگاههای کیفری بین‌المللی ایجاد شده است تا افراد متهم به جنایات بین‌المللی شامل جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی را مورد تعقیب قرار داده و محاکمه نمایند. این نهادها منعکس‌کننده استقبال روبه‌رشد جامعه بین‌المللی از شکستن چرخه بی‌کیفری و افزایش پاسخ‌پذیری در قبال ارتکاب جنایات عمده بین‌المللی است. با وجود این تذکر چند نکته در خصوص محاکم کیفری بین‌المللی و روابط آنها با ارگانهای سیاسی ضروری است:

۱- تشکیل و تکامل تدریجی این ساز و کارها و دیگر ساز و کارهای پاسخ‌پذیری کیفری بین‌المللی، تنها محصول خط مشی حقوقی و سنجدیده ناشی از تجربه افراد مطلع از حقوق کیفری بین‌المللی و مباحث حقوق تطبیقی نبوده و نیست. ایجاد این نهادها بیشتر پی‌آیند اعمال و وقایع بی‌رحمانه اتفاق افتاده در بخش‌های مختلف جهان و فشار افکار عمومی جهانی و نگرانی دولت‌های معین می‌باشد. بالطبع این نهادها بیش از آنکه توسط حقوق‌دانانی با تخصص حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق تطبیقی ایجاد شود، توسط رهبران سیاسی و دیپلمات‌ها شکل گرفته است. لذا عملکرد برخی از این نهادها

۱- چهار نسل دادگاههای کیفری بین‌المللی، عبارتند از:

نسل اول: دادگاههای بین‌المللی نظامی مستقر در نورنبرگ (IMT) و مستقر در توکیو (IMTFE) و رایشتات که بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۵) تشکیل شدند و به عدالت فاتحین نیز مشهورند. این دادگاهها به لحاظ عدم رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها مورد انتقاد هستند.

نسل دوم: شامل دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت و خاص (Ad Hoc) برای یوگسلاوی سابق (ICTY) و برای رواندا (ICTR)، این دادگاهها در اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد (حفظ صلح و امنیت بین‌المللی) ایجاد شدند.

نسل سوم: مانند دادگاه کیفری بین‌المللی رسیدگی به جنایات ارتكابی در سیرالئون، تیمور شرقی و کامبوج که به موجب درخواست دولت و با انعقاد معاهده بین سازمان ملل متحد و کشور درخواست‌کننده بوجود آمده‌اند. از این دادگاهها به دادگاههای ملی-بین‌المللی، دادگاههای ترکیبی و دادگاههای دورگه نیز تعبیر می‌شود.

نسل چهارم: شامل دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) که به موجب معاهده بین‌المللی بین کشورها بوجود آمده است.

آنچنان که باید عدالت مؤثر و بی طرف را منعکس نکرده است. بر همین اساس ریس کمیسیون تهیه پیش نویس اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در هنگام تهیه پیش نویس اعلام کرد: «هنر دیپلماسی متفاوت از شگرد تجزیه و تحلیل حقوقی تطبیقی است. دیپلماسی می تواند آنچه را که من " قاطر دیپلماتیک" ۱ می نامم، ایجاد نماید. این قاطر نه به دلیل جهش زیستمانی، ۲ بلکه با بریدن نصف دو حیوان متفاوت و به هم متصل کردن آن دو بدون توجه به اینکه کدامیک به دیگری وصل می شود، متولد شده است. این به معنی هنر مصالحه دیپلماسی است که به اجماع منجر شده و روش حقوقی مناسبی نیست» ۳.

۲- خصیصه معمول نهادهای دادرسی که کلاً یا جزئاً تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار دارند، آن است که در برخی موارد فاقد قواعد و مقررات روشن و شفاف در خصوص برخی مسایل می باشند. کما اینکه مجادلات نمایندگان کشورها در مذاکرات کنفرانس دیپلماتیک رم جهت تهیه متن نهایی اساسنامه، نشان دهنده برخورد سخت عقاید مربوط به توسعه و تبیین این قواعد و بویژه مقررات مربوط به ارتباط دیوان کیفری بین المللی با شورای امنیت می باشد.

۳- قواعد تبیین کننده روابط دیوان کیفری بین المللی با ارگانهای سیاسی، بویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد، می تواند تضمینی برای منصفانه بودن دادرسی، تساوی سلاح ها، استقلال و بی طرفی قضات، اجتناب از سوءاستفاده قدرتها از دیوان و نهایتاً مشارکت در ارتقاء کیفیت عدالت بین المللی، نیز تلقی شود. دیوانهای کیفری بین المللی جهت تحقق نظم عمومی بین المللی و جلب اعتماد جامعه جهانی، ناگزیر از انعکاس هنجارهای دادرسی منصفانه هستند. لذا قواعد اساسنامه دیوان و آیین دادرسی و ادله آن، نباید خارج از سیاق اهداف ارزش محور سیستم عدالت کیفری، که در آن رابطه دیوان با ارگانهای سیاسی به خوبی مشخص شده است، تنظیم و تفسیر شود.

1 - Diplomatic Mule

2 - Biologic

3 - www.icc-cpi.int

۴- دیوانهای کیفری بین المللی دستخوش فرآیندی تدریجی، شبیه تکامل تدریجی سیستم های حقوقی عمده جهان هستند؛ از این رو ارتباط این دیوانها با سازمان ملل متحد و بالاخص شورای امنیت از زمان تشکیل دادگاههای بین المللی نظامی نورنبرگ (IMT) و توکیو (IMTFE) تا زمان تشکیل دیوان کیفری بین المللی (ICC) بطور مداوم در حال تغییر و تکامل است.

۵- علاوه بر این، سیستم دادرسی بین المللی مشکلات منحصر به فردی دارد که برای سیستم های حقوقی ملی ناشناخته است؛ این امر از آن جهت است که دادرسی بین المللی متکی بر همکاری دولتها است؛ در حالی که سیستم های ملی از انسجام و وحدت دستوری مبتنی بر حاکمیت ملی و نظم حقوقی داخلی، متفع می باشند. این امر همکاری دادگاههای کیفری بین المللی و در رأس آنها دیوان کیفری بین المللی با دولتها و همچنین ارگانهای سیاسی بین المللی، یویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد را ناگزیر می سازد.

بخش اول :

شورای امنیت در نقش حافظ صلح و امنیت

بین المللی

در این بخش که مشتمل بر دو فصل است ، ابتدا ساختار و صلاحیتهای شورای امنیت مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و اسناد بین المللی و رویه های موجود بررسی می شود. در این راستا رابطه شورای امنیت و محاکم کیفری بین المللی از رهگذر توجه به نقش شورای امنیت در ایجاد دیوان بین المللی کیفری یوگسلاوی و رواندا نیز مورد سنجش و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

فصل اول: ساختار و صلاحیتهای شورای امنیت

هدف از بررسی ساختار و صلاحیتهای شورای امنیت، تعیین دامنه اختیارات و صلاحیتهای شورا، بررسی جایگاه حقوقی آن و شناخت ماهیت و ویژگیهای آن است. این بررسی به ما کمک خواهد کرد تا نهایتاً نقش شورای امنیت را چنانکه باید یا چنانکه در اساسنامه دیوان کیفری آمده است مورد کنکاش قرار دهیم.

گفتار اول: ساختار

برای بررسی ساختار شورای امنیت، ابتدا جایگاه حقوقی و ترکیب شورای امنیت، سپس ماهیت آن شورا را بررسی خواهیم کرد.

مبحث اول) جایگاه حقوقی و ترکیب شورای امنیت

جامعه جهانی برای جلوگیری از جنگ و دست یافتن به صلح و آرامش بین المللی به راهکارهای مختلفی متوسل شده است. یکی از مهمترین این راهکارها، تأسیس سازمانهای بین المللی عام برای حفظ صلح بین المللی است، در حقیقت نهضت تشکیل سازمانهای بین المللی با برنامه اشاعه صلح و امنیت بین المللی، واکنشی به پیامدهای هولناک و فزاینده درگیریهای نظامی بود.

سازمان ملل متحد به عنوان دستاورد کنفرانس ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ سانفرانسیسکو با هدف حفظ و حمایت از نظم، قانون و صلح برای نجات نسلهای آینده از بلای جنگ ایجاد شد. هدف منشور جلوگیری از بروز جنگ و مخاصمه یا حفظ "صلح در مفهوم منفی" آن بود؛^۱ به طوری که در ماده یک منشور ملل